

## گفتگوی تفصیلی ایسنا با هاشمی رفسنجانی درباره مسائل انقلاب و شرایط حاضر

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

سرویس سیاسی



حجت‌الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی چهره‌ی ناشناخته‌ای نیست. وی از مسؤولان کلیدی در زمان حیات حضرت امام خمینی (ره) و پس از رحلت ایشان به شمار می‌رود. او عضویت در شورای انقلاب و مجلس خبرگان، جانشینی فرماندهی کل قوا، 2 دوره ریاست مجلس شورای اسلامی و 2 دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران را در کارنامه خود دارد. سیاستهای سازندگی که با اولین دوره ریاست جمهوری وی آغاز شد تأثیرات گسترده و متفاوتی در عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران بر جای گذاشت که حمایتها، انتقادات و چالش‌های مختلفی را برانگیخت. حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی که اینک ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارد، در گفت‌وگویی تفصیلی به سؤالات خبرگزاری دانشجویان ایران درباره‌ی مواردی همچون وقایع تاریخی 15 خرداد، دیدگاه حضرت امام (ره) درباره‌ی اسلام ناب و اسلام آمریکایی، شکاف طبقاتی، نقش مردم در حکومت، مبارزه‌ی مسلحانه و ترور، نحله‌های فکری در حوزه‌های علمیه و همچنین دیدگاه خود درباره‌ی راهکار تشخیص مقبولیت حکومت، خطبه‌ی نماز جمعه پیش از دوم خرداد 76، دلیل شرکت در انتخابات مجلس هفتم، نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

مجلس، جایگاه مجلس در منظر امام (ره)، سیاستهای دوران سازندگی، علل تغییر دکترمعین و حجت‌الاسلام عبدالله نوری، عملکرد وزارت اطلاعات، جریان مک فارلین، حدود آزادی، لوایح اخیر رئیس‌جمهور، شخصیت خانمی و موضع نسبت به آمریکا؛ پاسخ داد.

خبرگزاری دانشجویان ایران در ادامه‌ی تلاش خود برای تبیین برگ‌هایی از تاریخ معاصر و تحلیل وقایع گذشته و ارزیابی پاسخ به برخی از پرسش‌های مطرح در عرصه‌ی سیاسی از دیدگاه صاحب‌نظران، صاحب‌منصبان و فعالان سال‌های اخیر، این بار به سراغ حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رفته تا در حد مقدور به وظیفه‌ی اطلاع‌رسانی خود عمل کند. پیشاپیش از فرصتی که در اختیار گذاشته شده است؛ سپاسگزاری می‌شود.

ایسنا: با توجه به اینکه در ایام چهلمین سالگرد 15 خرداد 1342 قرار داریم، بفرمایید چرا حضرت امام (ره) تأکید خاصی بر 15 خرداد داشتند، گو اینکه مبدأ نهضت را این روز می‌دانند؛ و در حقیقت، تاریخ شفاهی این 40 سال را برای نسل جوان به‌طور خلاصه تشریح کنید.

جواب: بسم‌الله الرحمن الرحیم

امام (ره) تعبیرات مختلفی از 15 خرداد ارائه داده‌اند. همه می‌دانند که انقلاب قبل از 15 خرداد شروع شد و مقطع خاصی بعد از فوت آیت‌الله العظمی بروجردی را در بر گرفت. بعد از آن در قضیه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، نیروهای انقلابی پیروز شدند و بعد هم بر سر انقلاب شاه و مردم - به اصطلاح انقلاب سفید - درگیری‌ها شروع شدند که در این میان، حوادث مهمی مانند حادثه مدرسه فیضیه تأثیر زیادی بر مشخص شدن صفوف داشتند.

15 خرداد، نقطه عطفی در تاریخ انقلاب است و تفسیرها از این واقعه هم دوگانه بود. بعضی‌ها تصور می‌کردند که 15 خرداد به منزله ختم انقلاب است؛ اما امام (ره) با تأکید بر اینکه 15 خرداد مبدأ انقلاب است، هم پاسخ این عده را دادند و هم می‌خواستند بگویند که این فاجعه به دلیل کشتار مردم و حضور وسیع آنها باعث شد که شعله‌ی انقلاب خاموش نشود. بالاخره درگیری تا این تاریخ خیلی جدی شد. از این به بعد 15 خرداد نوعی مبدا است.

رژیم سابق قصد داشت با سرکوب مردم همه چیز را ختم کند اما در عین حال، تحلیل امام (ره) این بود که با فاجعه 15 خرداد، مردم جدی‌تر می‌شوند و می‌فهمند که با رژیم سفاکی مواجه هستند؛ لذا تصمیمشان را برای مقابله با رژیم جدی‌تر خواهند کرد. این حرف امام (ره) درست بود.

پس از مدتی، ظاهراً از حالت هیجانی و خیابانی و تظاهرات انقلابی کاسته شد، ولی عمق پیدا کرد. عده‌ای به فکر انجام کارهای تندتر افتادند که بعداً شکل مبارزه مسلحانه به خود گرفت و عده‌ای دیگر به فکر آگاهی بیشتر مردم افتادند. هر

دو جریان، از نیروهای اصیل و مهم انقلاب بودند و دیگر در عرصه تظاهرات کمتر دیده می‌شدند ولی بیشتر در جهت تعمیق مسائل فرهنگی انقلاب و تشکیلات حرکت می‌کردند که هر دو زمان بر بودند. عده دیگری هم احساس کردند که با خالی کردن صحنه، دو جریان دیگر نمی‌توانند به راحتی کار کنند. لذا تلاش خود را بر پخش اعلامیه و سخنرانی و تشکیل تجمعات، متمرکز کردند تا مردم احساس نکنند که شعله‌ی انقلاب خاموش شده است. عده‌ی دیگر هم با دیدن مشکلات کار، در میانه‌ی راه بریدند و کنار رفتند.

این تقسیم‌بندی چهارگانه و ادامه آن باعث شد که قدری ریشه‌ای‌تر و اساسی‌تر به مسائل انقلاب بپردازیم. علاوه بر این، نباید تاثیر شهادت را فراموش کرد. خون شهدای 15 خرداد، سرمایه انقلاب شد و باعث شد که خیلی‌ها در ادامه راه آنان حرکت کنند.

معمولاً وقتی انقلابها رنگ خون می‌گیرند، شکل کارشان عوض می‌شود. اگر ریشه‌دار باشد، قوی‌تر و اگر سطحی باشد، سرخورده می‌شود. اتکا بر عقاید مردم و قیام مردم به‌خاطر مسائل ملی و دینی باعث شد که انقلاب ما روز به روز عمیق‌تر شود.

ایسنا: حضرت امام خمینی(ره) در طول مبارزه قبل از پیروزی انقلاب بیشتر بر کدام یک از این راهها تاکید داشتند، و اساساً نظر ایشان در مورد مبارزه مسلحانه چه بود؟

جواب: امام(ره) معتقد بودند که فقط افکار عمومی و تکیه بر مردم می‌تواند ایران را نجات دهد و این را هم معلول آگاهی دادن و فرهنگ‌سازی می‌دانستند. لذا همیشه تاکید داشتند که اطلاع‌رسانی و آگاه کردن مردم و برنامه‌های دینی و عاقل فراموش نشود. ایشان هیچ‌وقت علیه کسانی که اقدامات تند انجام می‌دادند و انسانهای بدی نبودند، موضع‌گیری نمی‌کردند ولی در عین حال، راه آنان را راه اساسی نمی‌دانستند و آن را فقط بهانه‌ای برای سرکوب عنوان می‌کردند.

آنچه که در طول این سالها از ایشان شنیدم این بود که ایشان هیچ وقت راه پیروزی را در ترور جست‌وجو نمی‌کردند و در عین حال از ایشان بدگویی از کسانی که در این مسیر بودند نشنیدم. با زیاد شدن فشارهای رژیم، مبارزین اسلام‌گرا، انجام اقدامات انتقام‌جویانه را قبول کردند. تفاوت مبارزین اسلامی با دیگران این بود که اسم این کار را تبلیغ مسلحانه گذاشتند و معتقد بودند اگر چنین اتفاقاتی بیفتد، توجه مردم دنیا به این طرف جلب و رژیم نیز ناچار به پخش اخبار می‌شود. در آن زمان، تجمعات مردم در رسانه‌ها منعکس نمی‌شد ولی حوادثی مانند تبلیغ مسلحانه به شدت در رسانه‌ها انعکاس می‌یافت و خیلی چیزها کشف می‌شد. لذا ما تبلیغ مسلحانه را در کنار روح عظیم مبارزات فرهنگی و عقیدتی قبول داشتیم؛ ولی امام(ره) این را هم تایید نکردند. در میان گروههای مسلحی که آن زمان اعلام آمادگی کردند، چند گروه مسلمان بودند ولی امام(ره) آنها را هم تا آخر تایید نکردند و قبول نکردند که اینها آدمهای درستی‌اند. البته در مقطعی، کسانی - از جمله خود من - به امام(ره) پیشنهاد کردیم تا تایید ایشان را جلب کنیم اما نشد. آن زمان امام(ره) ایران نبودند ولی افرادی پیغام می‌دادند که گروههایی مانند فداییان و مجاهدین - که هنوز بین آنها جدایی نیفتاده بود - بچه مسلمانند. به هر حال افرادی مانند من، مرحوم طالقانی و دیگران به امام(ره) پیشنهاد دادیم تا تایید ایشان را برای مبارزه مسلحانه جلب کنیم اما نشد.

ایسنا: در موردی که مشخصاً طرح تروری وجود داشت و به اطلاع حضرت امام(ره) می‌رسید، ایشان چگونه برخورد می‌کردند؟

جواب: این مطلب را از خود امام(ره) شنیدم که یکی از افسران رژیم سابق که انسان متدینی هم بود با مراجعه به ایشان گفته بود که می‌تواند از طریق عملیات انتحاری، شاه را بکشد و منتظر اجازه امام(ره) بود ولی ایشان جواب ندادند و بعداً به من فرمودند اینها که می‌خواهند این کار را بکنند اگر جدی باشند آن را انجام می‌دهند و نمی‌آیند از ما پرسند.

ایسنا: به نظر می‌رسد نوع نگاه فقهی امام(ره) در بن‌بست‌شکنی‌های ایشان در بعضی از مسائل مؤثر بوده است. مانند موسیقی و شطرنج. این بن‌بست‌شکنی برآمده از چه نوع نگاه فقهی بود؟ به نظر می‌رسد این نگاه بعضاً در حوزه‌های علمیه با مهجوریت مواجه بوده است. ایشان چگونه با مهجوریت‌ها برخورد می‌کردند؟

جواب: امام(ره) از لحاظ فقهی به اسلام به عنوان یک مکتب برنامه‌دار برای اداره جامعه نگاه می‌کردند، حتی در زمان غیبت. فقهای دیگر هم قبول دارند که در زمان حضور معصوم، اسلام می‌خواهد همه چیز را اداره کند. امام(ره) عقیده داشتند که اسلام در زمان غیبت هم به همه مسائل جامعه می‌رسد. ایشان دید حکومتی نسبت به اسلام داشتند. بعضی از

مراجع سنتی می‌خواستند در حد رسیدگی به امور روزمره مردم که در دوران انزوای روحانیت به آنان مراجعه می‌شد اکتفا کنند ولی ایشان دید حکومتی داشتند. در زمان آیت‌ا... العظمی بروجردی ایشان قدری ملاحظه می‌کردند و نمی‌خواستند علیه ریاست حوزه حرف بزنند اما بعداً که حوزه مسؤول کلی نداشت و ایشان هم از مراجع شدند، نظرشان را ابراز می‌کردند و همان دید فقهی جامع ایشان، عاملی بود که در مسائلی که دیگران اظهار نظر نمی‌کنند، اظهار نظر کنند.

حتی وقتی که ایشان در نجف تبعید بودند، با اینکه حوزه علمیه این شهر مانند حوزه علمیه قم این همه ظرفیت و طلبه جوان نداشت، و سیاسی نبود بحث ولایت فقیه را شروع کردند که تفاوت آن با بحث ولایت فقیه در کتابهای قدیم خیلی زیاد است. بنابراین مواضع مهم سیاسی ایشان قبل و بعد از انقلاب را باید به حساب دید فقهی حکومتی ایشان گذاشت.

ایسنا: چه نخله‌های فکری در حوزه‌های علمیه در آن هنگام برجستگی بیشتری داشت؟

جواب: در حوزه‌ها، بعضی‌ها می‌گفتند که در غیاب امام زمان (عج) نمی‌توانیم حکومت اسلامی تشکیل دهیم. بنابراین باید به امور جاری حوزه و تعلیم و تربیت بپردازیم. اما امام (ره) معتقد بودند که در غیاب امام زمان باید حکومت تشکیل داد. این عقیده هم در قالب مبارزات انقلاب مردم محقق شد. در نجف هم ایشان ترجیح دادند که باید در حوزه علمیه نجف بیشتر کار کنند. لذا بحث ولایت فقیه را مطرح کردند تا به‌طور استدلالی و ظایف ولایت فقیه در زمان غیبت امام زمان (عج) را برای طلبه‌های آنجا تشریح کنند. بعد از انقلاب هم ایشان با این دید با مسائل برخورد می‌کردند و حاکم اسلام را مبسوط‌الید می‌دانستند و هر جا که لازم بود منتظر نمی‌ماندند، بلکه با استفاده از قدرت و نفوذشان تصمیم می‌گرفتند.

در رهبریت ایشان، اصل بر حکومت مردمی بود ولی حتی را نیز برای نایب امام زمان (عج) و ولی فقیه قائل بودند و از این حق به مقدار زیادی استفاده می‌کردند. ایشان ذاتاً انسان قاطعی بودند و اینها همه دست به دست هم دادند تا بن‌بست‌شکنی‌های فراوانی در زندگی ایشان بوجود آید.

ایسنا: آیا حوزه‌های علمیه توانستند بعد از ایشان این مبانی فقهی را در خود هضم کنند و جا بیندازند و بر این اساس حرکت کنند؟

جواب: بله. اگر آن موقع تعداد کمی حرفهای ایشان را می‌زدند، امروز عدّه بسیاری این حرفها را تکرار می‌کنند و مبانی ایشان در بسیاری از جاها پذیرفته شده است. شخصیت ایشان نیز در این زمینه تأثیر داشت که ممکن است در دیگران کمتر باشد. طرفداران مبانی امام (ره) در حوزه‌ها خیلی زیادند.

ایسنا: به نظر می‌رسد موانعی در برابر دیدگاهها و اندیشه‌های حضرت امام (ره) در حوزه‌های علمیه وجود داشته است. جواب: بعضی از مقدسین، ایشان را در دوره‌ای قبل از انقلاب به‌خاطر فلسفه، عرفان و افکار خاصی که داشتند متهم کردند و حرفهای بی‌ربطی می‌زدند، لذا ایشان هم خانه‌نشین شدند. ایشان تحقیقا در مسیری که طی می‌کردند موانع و مشکلات بسیاری داشتند به‌طوری که حتی بعضی از بزرگان، مشی ایشان را قبول نداشتند. امام (ره) هم نمی‌خواستند آنها را به ناصالح بودن متهم کنند. ایشان با قاطعیت و قدرت راه خود را طی و تصمیماتشان را اجرا می‌کردند.

ایسنا: ممکن است مورد خاصی از قاطعیت ایشان را بیان کنید؟  
جواب: موارد بسیاری از قاطعیت امام (ره) وجود دارد. مثلاً در مواردی که بین شورای نگهبان و مجلس اختلاف پیدا می‌شد، ایشان از موضع حاکم و ولی فقیه وقتی که می‌دیدند بر اساس اختلاف بین مجلس و نظرات شورای نگهبان، مشکلاتی پیش آمده، به مجلس اختیار دادند که نظر دو سوم نمایندگان را تصویب کند و در این مورد، قانون اساسی هم اجرا نشود. در این صورت دیگر لازم نبود شورای نگهبان این نظر را تأیید کند. بعد هم ایشان مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای داوری و بن‌بست‌شکنی تاسیس کردند که آن موقع مبنای قانونی نداشت. یا مثلاً در آن دوران موارد زیادی پیدا شده بود که نمی‌توانستیم



صبر کنیم و یا در جنگ، روزانه به تصمیمات مهمی احتیاج داشتیم که نمی‌خواستیم در مورد آن علنا بحث کنیم. لذا ایشان شورایی تشکیل دادند و به آن شورا حق قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری در همه امور را دادند. حتی در کارهای اجرایی، ایشان مصلحت‌سنجی می‌کردند. مثلا وقتی شورای نظارت بر صدا و سیما، رییس این سازمان را عزل کرد - با وجود اینکه کاری قانونی بود - ایشان مصلحت ندانستند و شورا را برکنار و رییس سازمان را ابقا کردند. ایشان حق داشتند در مواردی که فکر می‌کردند به مصلحت جامعه است تصمیم قاطع و فوری بگیرند.

ایسنا: آیا تقسیم‌بندی امام (ره) از اسلام ناب و اسلام آمریکایی، بیشتر ناظر بر عواملی داخلی بود یا خیر؟  
جواب: قبل از این تقسیم‌بندی امام (ره)، با ایشان صحبتی نکرده بودم و به من هم نفرموده بودند که چنین تقسیم‌بندی دارند. ما شنیدیم ایشان گفتند و بعد هم ماندگار شد. هیچ‌وقت هم از ایشان نخواستیم که مشخصا اسلام آمریکایی و اسلام ناب مورد نظرشان را تعریف کنند ولی در مجموع می‌فهمیدیم که ایشان چه می‌گویند. تصمیماتی برای انقلاب گرفته می‌شد که بعضی‌ها می‌گفتند با ظواهر شرع سازگار نیست. مثلا تصمیمات دادگاههای انقلاب و یا بعضی از تصمیمات مجلس را قبول نداشتند. در بعضی مسائل مانند زمین و مصادره‌ها و مسائلی از این قبیل، عده‌ای انقلابی‌تر عمل می‌کردند و عده‌ای می‌گفتند که این تصمیمات با احکام شرعی سازگار نیست. بعضی از این کارها را نیروهای انقلابی انجام می‌دادند که ایشان این اظهار نظرها را به ضرر انقلاب و به نفع آمریکا می‌دانستند. لذا منظور از اسلام آمریکایی این نبود که آمریکایی‌ها هم اسلام دارند. منظور این بود که این نوع اظهار نظرها آمریکایی‌پسند است و آن نوع اقدامات با روح اسلام سازگار نیست. در اسلام خالص و بدون پیرایه، عدالت و حمایت از مستضعفان و محرومان و مبارزه با استثمار و استعمار اهمیت دارد و مسائلی خلاف اینها در جهت تمایلات غربی‌ها و اقتصاد و فلسفه غربی است. ما چنین تفسیری از حرفهای ایشان داشتیم و هنوز هم این‌طور می‌فهمیم. توجه به مسایل مستحدثه و ارائه راه حل از قبیل بانکها و بیمه، صدا و سیما، سینما، ماهواره، اینترنت و قراردادهای بین‌المللی معمولا از مواردی بود که مورد اختلاف بین سنت‌گرایان و نوآوران بوده است.

ایسنا: چه میزان از آرمانهای امام (ره) مبنی بر شکل نگرفتن قله‌های ثروت و جلوگیری از شکاف طبقاتی محقق شده است؟ به نظر می‌رسد در جاهایی نتوانستیم قاطعیت حضرت امام (ره) را اعمال کنیم.  
جواب: این‌طور نیست. امام (ره) ضمن اینکه حمایت از محرومان و مستضعفان را مهم می‌دانستند، راضی نبودند که قالب‌شکنی‌های زیادی اتفاق بیفتد؛ مثلا اصل مالکیت زیر سؤال برود و یا احکام مسلم مالکیت فراموش شود. اولاً امام (ره) می‌دانستند که این کار به مشکل برمی‌خورد، ثانياً خودشان به این کار عقیده نداشتند.  
در مجلس که بودیم گاهی از طرف امام (ره) به ما اخطار می‌شد که اگر چنین کنید خودم جلوی شما را می‌گیرم. آن موقع روحیه نیروهای انقلابی در جاهایی نظیر دادگاه انقلاب، کمیته و مجلس نوعا تند بود و امام (ره) همیشه آنها را تعدیل می‌کردند. مثلا در مورد مسأله رای دو سوم نمایندگان، تندروری مجلس باعث شد که ایشان حکم خود را پس بگیرند و مجمع تشخیص مصلحت را تاسیس کنند. تندروری جوانها و نیروهای انقلابی برای جامعه تبعات اقتصادی داشت؛ کمونیست‌ها با از بین بردن مالکیت، حساسی عقب افتادند امام (ره) آنها را قبول نداشتند.  
من فکر می‌کنم آن حدی که امام (ره) مورد نظرشان بود و حتی بیشتر از آن، به موقع عملی می‌شد. موارد بسیاری وجود دارد که ایشان از تندرویها گله کردند و جلوی تندرویها را گرفتند. بعد از امام (ره) هم این رویه ادامه پیدا کرد. امام (ره) خیلی به تندرویهای اقتصادی و سلب مالکیت و مصادره مایل نبودند. علاوه بر این به بنیه اقتصادی کشور و نیاز آن به رقابت و امنیت سرمایه توجه داشتند.

ایسنا: آیا به راستی الگوی حکومتی حضرت امام (ره) اجازه می‌دهد که در جامعه شکاف طبقاتی داشته باشیم؟  
جواب: این یک بحث مهم اقتصادی است. اگر واقعیت اسلام اجرا شود این اتفاق نمی‌افتد. اگر بتوانیم اسلام را با همه ابعادش پیاده کنیم، شکافهای طبقاتی ایجاد نمی‌شود. بروز شکاف طبقاتی به‌خاطر تخلف از اسلام است. اگر همه ابعاد اسلام واقعی اجرا شود، قله‌های ثروت از بین خواهند رفت ولی رقابت و رونق اقتصادی باید باقی بماند که اسلام این را در معارفش تامین کرده است.  
البته این‌طور نخواهد بود که تمامی مردم در سطح مساوی از امکانات برخوردار باشند. اما حقوق کسی ضایع نخواهد شد.

ایسنا: حضرت امام(ره) بر نقش و حق کلیدی مردم در تعیین سرنوشت خود تاکید داشتند. به نظر شما ایشان مبانی مشروعیت نظام اسلامی را در چه مواردی می‌دیدند؟

جواب: مشروعیت و مقبولیت با هم تفاوت دارند. از نظر امام (ره) در زمان ائمه(ع)، ولی معصوم، حاکم مشروع جامعه است و در زمان غیبت هم، فقهای صاحب شرایط. اما اگر مقبولیت وجود نداشته باشد، نمی‌توان جامعه را اداره کرد. این یک اصل اسلامی است. حاکم جامعه‌ی اسلامی هر چقدر هم که خوب باشد باید مقبول مردم باشد؛ وگرنه نمی‌تواند کشور را اداره کند.

اسلام با زور و فشار و قلدری موافق نیست. هدف اسلام، فتح قلوب مردم است. ممکن است حاکم قدرتمندی با ابزار مادی مردم را وادار به تسلیم نماید. در این فرض آنهایی که هستند، از ته دل مسلمان نیستند. بنابراین ضمن اینکه حکومت ولی فقیه مشروع است، اگر همراهی مردم را نداشته باشد قابل اجرا نیست. لذا مقبولیت و مشروعیت باید با هم باشند. معنای جمهوری اسلامی هم همین است. جمهوری به معنای همراهی مردم و اسلامیت، همراهی با معیارهای اسلامی است. با تفاوت گذاشتن بین مقبولیت و مشروعیت، مقداری از مسائل و بحثهای داغ امروزی حل می‌شود. به هر حال، در حکومت غیرمقبول، حتی علی بن ابی‌طالب (ع) هم وارد میدان نمی‌شود.

ایسنا: راهکار تشخیص مقبولیت حکومت چیست؟

جواب: راهکار مقبولیت حکومت، رای مردم است.

ایسنا: مطرح شده است که شما به مشروعیت مردمی یا مقبولیت حداقلی مثلاً به میزان 15 درصدی قائل هستید؟  
جواب: عقیده من این نیست. عقیده من این است که اگر حکومت اسلامی آرای اکثریت مردم را نداشته باشد نمی‌تواند حکومت کند و بی‌ثمر است.

ایسنا: در بعضی از انتخابات گذشته مسائلی به شما نسبت داده شد مثل اینکه لزومی ندارد تنور انتخابات خیلی داغ باشد و همین که عده‌ای رای دهند کفایت می‌کند. توضیح شما چیست؟

جواب: ادعای کسانی که می‌گویند من مایل نیستم تنور انتخابات داغ باشد کذب است. بهترین شاهد برای اثبات این ادعا، حضور بیش از 30 میلیون نفر در انتخابات دور هفتم ریاست جمهوری است که در زمان من اتفاق افتاد. در حقیقت، مردم بر اثر تلاشهای ما به صحنه آمدند.

ایسنا: شما در نماز جمعه قبل از دوم خرداد، مطالب مؤثری ایراد کردید. در آن مقطع احساس شد که نزدیکی و ائتلافی در درون چارچوب گروههای فعال سیاسی شکل گرفت. در آن مقطع بسیاری شما را از خود می‌دانستند. بعد از دوم خرداد، به نظر می‌رسد مشکلاتی پیش آمد که در آستانه انتخابات مجلس ششم بیشتر نمایان شد و بروز پیدا کرد. شما در این رابطه چه دیدگاهی دارید؟

جواب: من به عنوان رئیس جمهور، مسؤول حسن اجرای انتخابات بودم و خطبه‌ی نماز جمعه من قبل از این انتخابات، ناظر به هر دو طرف بود. هر دو طرف به من شکایت می‌کردند که طرف مقابل قصد تقلب در انتخابات را دارد و علائمی را هم ارائه می‌دادند. من هم تصمیم گرفتم که نظارت‌م را تقویت کنم و شائبه تقلب را برای هر دو طرف رفع کنم. روی صحبت‌های من در آن زمان نسبت به دو طرف بود ولی بعداً هر کس تفسیر خودش را ارائه داد.

قبل از انتخابات 2 خرداد به این نتیجه رسیده بودم که بهتر است پیشتازان انقلاب کمک کنند که نیروهای جوان‌تر وارد میدان شوند تا این تصور که اینها که انقلاب کردند می‌خواهند تا آخر عمر مسؤولیت داشته باشند تداومی نشود. بنا هم نداشتم که دیگر مسؤولیت اجرایی به عهده بگیرم و در حدی که نمی‌خواستیم کنار باشم، رهبری به من تکلیف کردند که در مجمع باشم و اینجا در حوزه مشورت به رهبری کمک کنم. بعضی از کسانی که بعداً دور و بر آقای خاتمی جمع شدند فکر کردند که کسی اینجا هست که ممکن است در آینده دوباره رقیب شود. لذا به فکر افتادند که راه برگشت را ببندند. و در حقیقت تصمیم گرفتند یکی از نردبانهایی را که از آن بالا رفته‌اند خراب کنند که دیگران از این راه بالا نروند. این دیگر به من مربوط نیست و من هم با آنها برخوردی نکردم. تشخیص آنها این‌طور بود و آن مشکلات و اختلافات پدیدار شد. باید از آنها سؤال کرد که چرا شروع کردند.

ایسنا: اخیراً بحثی مطرح شد که در ملاقات تعدادی از اعضای فراکسیون اقلیت مجلس، عده‌ای از جنابعالی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری درخواست کرده‌اند و حتی یکی از این نمایندگان از نظر منفی شما نسبت به این موضوع

خبر داد. واقعیت چه بود؟

جواب: الان هم مثل قبل از انتخابات مجلس ششم مراجعه در این مورد به من زیاد است و هر کس به نحوی درخواستش را مطرح می کند. من همان تصمیم قبلی ام را که در اواخر دوران ریاست جمهوری گرفته بودم، صحیح می دانم. نمایندگان فراکسیون اقلیت هم برای این منظور نزد من نیامده بودند. معمولاً نمایندگان، فردی یا جمعی با من ملاقات دارند. در جمع 50 - 60 نفری این نمایندگان، چند نفر این مساله را مطرح کردند. من هم پاسخ دادم که ترجیح می دهم نیروهای جوان وارد صحنه شوند تا با افکار جدید و پشتکار و انرژی بیشتر کار کنند و ما هم در صورت اصلح بودن آنها را حمایت کنیم. این جواب همیشگی من است و همیشه بر این نظر قاطع هستم. در انتخابات مجلس هم مرا برخلاف تمایلم مجبور کردند که وارد صحنه انتخابات شوم. الان هم دیگر تمایلی به این کار ندارم. البته من بقیه عمرم را فقط برای انقلاب می خواهم و تمایلات شخصی ندارم. مایلم که در خدمت انقلاب باشم و فکر می کنم خارج از آن حوزه مسؤولیت مستقیم، بیشتر می توانم برای انقلاب کار کنم و هر جا که باشم در خدمت انقلاب خواهم بود.

ایسنا: حضرت امام در موارد اختلافی با شورای نگهبان، رای دو سوم مجلس مکفی می دانستند. مبنای این دستور امام(ره) چه بود؟

جواب: امام (ره) با حکم ولایی چنین دستوری دادند. در قانون اساسی چنین چیزی وجود نداشت و ندارد. و امام (ره) بعداً این دستور را لغو کردند و در اسناد هم هست و منتشر هم شد. مبنای مهم دستور امام (ره) برای رای دو سوم نمایندگان مجلس، مسائل کارشناسی برای حل بن بست ها بود. وقتی شورای نگهبان مخالفت می کرد و مجلس هم نمی پذیرفت، به بن بست می رسیدیم.

مبنای مهم این دستور، مسائل کارشناسی بر اساس مصلحت نظام بود. جمعیتی که عموماً در مجلس بودند، انقلابی فکر می کردند و چون در آزمون راه کار دیگری وجود نداشت و امام (ره) تصور می کردند که تصمیمات آنها قاعدتاً باید مبنای درستی داشته باشد. به علاوه چاره ای نبود. ما در ابتدای کار به بن بست گرفتار شدیم. شورای نگهبان مصوبه مجلس را خلاف شرع می دانست و مجلس هم به اصلاح آن رای نمی داد و لذا قوانین مهمی مثل اراضی شهری و کشاورزی، معادن، تجارت خارجی و ... روی زمین می ماندند. در نتیجه، ایشان با استفاده از اختیارات ولایت فقیه، معضل را حل می کردند.

ایسنا: اما به نظر می رسد اغلب ایشان به نفع مجلس عمل می کردند؟

جواب: ایشان فقط به نفع مجلس فکر نمی کردند بلکه به نفع انقلاب فکر می کردند. بالاخره وقتی جمعیتی از متدینین به تصمیمی برسند حتماً پشت آن مسائل مهمی وجود دارد.

ایسنا: مجلس اول که می فرمایید متشکل از متدینین و انقلابیون بود، به نظر می رسد با شکلی متفاوت از نظارت که امروز اعمال می شود تشکیل شد. آیا الان هم همان شکل نظارت در مجلس اول اعمال می شود یا اینکه متحول شده است؟  
جواب: در آن زمان اصل قانون نظارت و نوع نظارت فعلی بر نمایندگان وجود نداشت و قوانین نظارت بعداً نوشته شد. به تدریج مجلس اول شروع به قانون گذاری کرد و همان کسانی که انتخاب شدند به تدریج قانون نظارت را نوشتند تا به اینجا رسید. البته شورای انقلاب مصوباتی برای نظارت داشت ولی قانون جامع آن در مجلس اول تهیه شد و در مجالس بعد تکمیل شد.

ایسنا: نظر شما مشخصاً در زمینه نظارت چیست؟

جواب: اصل ضرورت نظارت قابل تردید نیست.

الان بنا ندارم که وارد بحثهای جنجالی شوم. معمولاً در بحثهایی که در گذشته جریان داشت، جزء افرادی بودم که به وسعت نظر تمایل داشتیم. ولی گذشت از اصول را روا نمی دانستیم. مجالس گذشته گاهی تند و انقلابی عمل می کردند؛ بطوری که اعتبارنامه بعضی از افراد انقلابی را نیز که بعداً وزیر شدند رد می کردند. من با آن سخت گیری ها موافق نبودم.

ایسنا: آیا الان هم جایگاهی که امام(ره) برای مجلس قائل بودند وجود دارد؟ به نظر می رسد که مجلس فعلی با مشکلات متعددی روبه روست. دلایل آن از نظر شما چیست؟

جواب: مجلسی ها با توجه به نقش مهم شان باید احترام امام زاده را حفظ کنند. همه باید به مجلس کمک کنیم تا همچنان



موفق و معتبر باقی بماند و مورد اعتماد مردم و رهبری باشد.  
مجلس در نظام ما بسیار می‌تواند کارگشا باشد.

ایسنا: اگر چنین مشکلاتی که الان بین مجلس و شورای نگهبان وجود دارد در زمان ریاست شما بر مجلس وجود داشت چه می‌کردید؟

جواب: در زمان ما حتی بیشتر از مشکلات فعلی وجود داشت ولی آنها را حل می‌کردیم و با امام (ره) بر سر مشکلات صحبت می‌کردم. لویجی که آن موقع بر سر آنها مشکل داشتیم قابل مقایسه با بحثهای امروز نیست. امروز یک مقدار بحثهای گروهی و بانندی وجود دارد ولی آن موقع نزاع بر سر این موارد نبود. انقلاب در حال تثبیت بود و لویج مادر در مجلس اول تصویب

شد. ارتباط ما هم با امام (ره) خیلی صمیمی بود و ایشان هم به ما اعتماد خیلی خوبی داشتند.

ایسنا: آیا شما چنین الگویی را به مجلس فعلی توصیه می‌کنید؟

جواب: مجلس باید سعی کند که روابطش با رهبری و مجموعه نظام صمیمی‌تر باشد و دیگران هم سعی کنند با مجلس صمیمی‌تر رفتار کنند. من مشاجرات و دعواهای فعلی را نه تنها مفید نمی‌دانم، بلکه بسیار مضر می‌دانم.

ایسنا: چرا در بعضی از مفاهیم بنیادین مثل امنیت ملی در کشور به اجماع نمی‌رسیم؟

جواب: رسیدن به اجماع تقریباً عملی نیست. ولی بدست آوردن اکثریت ممکن است. در حال حاضر، اکثریت، محور است و در کارهای اجتماعی و حکومتی نمی‌توان به اجماع متکی بود. اتکا بر اکثریت هم راه حل قانونی دارد. در حقیقت، قانون اساسی ما بر اساس اکثریت تصویب شده است. رهبری بر اساس اکثریت آرای خبرگان انتخاب می‌شود که آنها هم بر اساس آرای اکثریت مردم برگزیده می‌شوند. خبرگان وقتی کسی را انتخاب می‌کنند، می‌دانند که چه اختیاراتی به او می‌دهند. مجلس و رئیس جمهور هم همین‌طورند. کابینه رئیس جمهور از طریق مجلس رای می‌گیرد و خود رئیس جمهور هم بر اساس رای اکثریت انتخاب می‌شود. بنابراین ملاک در همه جا، اکثریت است. وقتی که اکثریتی کسی را برگزیدند و به منتخبات اختیاراتی دادند، اگر بحثی بر سر اختیارات وجود دارد همان‌جا باید حل شود. به هر حال، الان در نظام ما و همه نظامهای دموکراتیک، رای اکثریت است.

ایسنا: برخی معتقدند که در دوران سازندگی، محور قرار دادن توسعه اقتصادی باعث ایجاد تغییرات ارزشی در جامعه شد، به طوری که "سود محوری" در جامعه به عنوان یک ارزش مطرح شد. حتی خود حضرت‌عالی هم در یکی از خطبه‌های نماز جمعه مطرح کردید. در این زمینه توضیح دهید.

جواب: این ادعاها، تفسیرهای مغرضانه‌ای هستند که برخی از افراطیون چپ یا راست مطرح کردند.

اولاً برنامه دولت، توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود. در مسائل اجتماعی به بیمه‌ها، روستاها و مناطق محروم خیلی رسیدگی کردیم و حتی برای این کار، دفتر مناطق محروم را با بودجه‌ای هنگفت تأسیس کردیم. به مسائل بانوان که بسیاری از حقوق آنها مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود، توجه خاص نشان دادیم و حتی دفتر ویژه زنان را تشکیل دادیم. جهت حرکت دولت، رسیدگی به مستضعفان بود. مبنایی که همیشه در کارهای من وجود داشت و الان کمی به آن بی‌توجهی می‌شود، این است که باید در کشور رونق اقتصادی ایجاد کنیم تا بیکار وجود نداشته باشد. اینکه مردم را بیکار کنیم و بعد هم با لقمه نانی از آنها حمایت کنیم، مستضعف خلق کردن است. لذا در راستای از بین بردن بیکاری، موفق شدیم بیکاری را از ۶/۱۵ به ۱/۹ برسانیم. اگر این برنامه ۲-۴ سال دیگر ادامه پیدا می‌کرد، دیگر بیکاری وجود نداشت. جامعه‌ای که بیکار نداشته باشد، مستضعف هم کم دارد. این یک حرکت اساسی بود.

در جدول سنجش بر خورداری‌ها، (جینی) درآمد دو دهک بالای جامعه پایین آمد و درآمد دودهک پایین جامعه بالا رفت. این حرکتی است که قبلاً در ایران اتفاق نیفتاده بود. در ابتدای شروع به کار دولت گذشته، کالاهای بادوام در سبد مصرفی خانواده‌های فقیر وجود نداشت ولی در دوران سازندگی کالاهای بادوام وارد سبد مصرفی خانواده‌ها شد و کم‌کم زندگی حالت درستی به خود می‌گرفت. به هر حال با مشاهده آمار و ارقام، مشخص می‌شود که جهت، جهت مستضعفین بود. یارانه‌ها طوری بودند که قشر مستضعف کمتر از آنها بهره می‌برد و ما به تدریج بخشی از یارانه‌ها را

جهت‌دار کردیم.

در مسائل سیاسی و فرهنگی نیز تعداد دانشجویان در پایان ۸ سال دولت من نسبت به آغاز کار چند برابر افزایش یافت و تیراژ رسانه‌ها به سرعت بالا رفت. از نظر سیاسی نیز در پایان دولت گذشته، بزرگترین انتخابات کشور انجام شد. شرایطی را به وجود آوردیم که مردم رشد سیاسی کردند و علاقه‌مند شدند در سرنوشت‌شان مشارکت کنند؛ به طوری که این تعداد که در انتخابات شرکت کردند، دیگر تکرار نشد. با توجه به بازده‌ها معلوم می‌شود که دولت به همه زمینه‌ها توجه کرده است.

اما در مورد مسأله نماز جمعه، در همین راستا در یکی از خطبه‌های نماز جمعه خطاب به بسیجی‌ها و نیروهای حزب‌اللهی گفتیم که چرا باید کارهای سرمایه‌ای، مولد و پردرآمد را دست طاغوتی‌ها بسپارید و شما همیشه کارهای رده پایین را انجام دهید. به استناد به آیه شریفه قرآن "الطیبات للطیبین" نعمت‌های دنیا مخصوص آنها نیست بلکه شما بیشتر محق هستید و شما هم باید به سمتی حرکت کنید که با نقد کردن منابع خدادادی کشور از نعمت‌های دنیا بیشتر استفاده کنید. در حقیقت بحث من در آن خطبه ناظر بر این بود که نعمت‌ها باید بین نیروهای زحمتکش و مجاهد انقلاب هم باشد. تا همه از آن بهره‌مند گردند. من به این معترض بودم که چرا عده‌ای لوکس زندگی می‌کنند و عده‌ای دیگر، نه. به هر حال، بعضی از کسانی که قلم به دست دارند، هر چه می‌خواهند می‌نویسند و ما هم هر روز نمی‌توانیم به آنها جواب دهیم.

ایسنا: اما فضای دانشگاهها بعد از آقای معین کمی به سمت بسته شدن رفت و این تغییر در دولت شما اتفاق افتاد. جواب: بفرماید اینک مطلب شما درست باشد. اولاً آقای معین ۷ سال دوره اول وزیر من بود. چرا آن را به حساب دولت گذشته نمی‌گذارید. جهت‌گیری دوره دوم به خود دانشجویان مربوط می‌شود. من به رعایت یک مسأله در دانشگاهها مقید بوده و هستم و آن، انضباط تحصیلی است. به همه دانشجویان سفارش می‌کردم که از فرصت به دست آمده برای تحصیل استفاده کنند و نگذارند هزینه‌ای که برای آنها صرف می‌شود هدر رود. من همیشه بر آگاهی سیاسی دانشجویان، افکار عمومی و رسانه‌های همگانی تأکید داشتیم و لذا از جلسات سؤال و جوابی که برپا می‌کردم گاهی ۳-۴ ساعت به سؤالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ می‌دادم و هیچ سؤالی را بی‌پاسخ نمی‌گذاشتم. بنا و فلسفه من بر آگاهی است.

ایسنا: در همین دوران در خصوص مراسم ۱۲ آبان، مراسم به سمت دولتی شدن رفت و به دانشجویان مجوز داده نشد. این کار بر چه اساسی صورت گرفت؟

جواب: من هیچ‌گاه این کارهای تند را تشویق نمی‌کردم. البته آن موقع جریانی در مجلس و بعضی از دانشگاهها می‌خواست که سیاست درهای باز و تنش‌زدایی خارجی را خدشه‌دار کند. لذا مجلس، روز مبارزه با استکبار جهانی را تصویب کرد و قطع رابطه با انگلیس را قانونی کرد. طبعاً در چنان فضایی دولت نمی‌توانست مسائل جهانی خود را حل کند. در دانشگاهها هم چنین تحریکاتی وجود داشت. من و دولت با این کار موافق نبودیم و تنش‌زدایی از موضع قدرت و عزت را خیلی مهم می‌دانستیم.

ایسنا: در زمینه‌های دیگر چطور، مثلاً در کابینه اول، آقای نوری به‌عنوان وزیر کشور معرفی شد ولی در کابینه دوم آقای بشارتی.

جواب: چون می‌دانستیم که آقای نوری در کابینه دوم رای نمی‌آورد او را معرفی نکردم. در کابینه اول حدود ۱۳۰ یا ۱۷۰ نفر از نمایندگان می‌خواستند و امضا کردند که آقای نوری را استیضاح کنند ولی با کمک رهبری جلوی استیضاح را گرفتیم. ولی معلوم بود که نمایندگان برای بار دوم به او رای اعتماد نمی‌دهند. این اتهام که می‌گویند دولت من سیاسی نبود، کذب است. افرادی مانند آقای خاتمی، آقای نوری و آقای مهاجرانی و بسیاری از چهره‌های سیاسی، در دولت من وزیر و معاون بودند و مسؤولیت‌های مهم سیاسی داشتند.

ایسنا: انتقادهایی به عملکرد وزارت اطلاعات و آقای فلاحیان مطرح است. عملکرد وزارت اطلاعات و آقای فلاحیان را در زمان خودتان چطور ارزیابی می‌کنید؟

جواب: ممکن است موردی، چیزهایی وجود داشته باشد ولی من خیلی تلاش می‌کردم که وزارت اطلاعات در کادر عمل کند و تعدیلش می‌کردم. یکی از کارهای مهم وزارت اطلاعات، مبارزه خاموش با مفاسد اقتصادی بود. یعنی هر جا مفاسد اقتصادی را مشاهده می‌کردند، خوب برخورد می‌کردند و تلاش زیادی در حفاظت از امنیت کشور که مسؤولیت

اساسی وزارت است، داشتند.

ایسنا: در جایی تعبیری داشتید که سیاه‌نمایی‌ها بعد از دوم خرداد شروع شد، این مساله چیست؟  
جواب: زیر سؤال بردن افتخارات نظام بعد از دوم خرداد شروع شد؛ به طوری که حتی جنگ و امام (ره) را هم زیر سؤال بردند.

ایسنا: آیا این مساله مشخصاً به دولت بعد از ۲ خرداد ربط دارد یا خیر؟  
جواب: نه، این اقدامات به دولت ربطی ندارد. در آستانه ۲ خرداد و حتی در مبارزات انتخاباتی از سوی دو طرف سیاه‌نمایی می‌شد. اما بعداً روزنامه‌ها و افراد و جریانهای خاص، سعی کردند تا جنگ، محاکمات دادگاه انقلاب و حتی امام (ره) و بسیاری از مسائل را زیر سؤال ببرند. نظر من بیشتر به این سمت بود.  
خود آقای خاتمی مردی شریف، عاقل و متدین است و با دیگران قابل مقایسه نیست. لذا خود آقای خاتمی هم از کسانی که سیاه‌نمایی کردند عصبانی است.

ایسنا: حدود و ثغور آزادی از دید شما تا چه حد است؟ خصوصاً در بعد آزادیهای فرهنگی و اجتماعی.  
جواب: من حدود آزادی را طبق قانون و شرع می‌دانم. نباید از چیزی که خلاف شرع نیست جلوگیری کنیم. کسی هم نمی‌تواند چیزی را که قانون اجازه داده منع کند. البته ممکن است در شرع فتاوی مختلف وجود داشته باشد ولی ما فتوای معتبر را قبول داریم. من طرفدار بستن فضا نیستم بلکه معتقدم باید فضا را باز کنیم و چیزی به مردم تحمیل نکنیم. اگر مردم با میل خودشان بعضی کارها را انجام دهند، خیلی بهتر از این است که از روی اجبار کاری را انجام دهند. اما سوء استفاده از حق آزادی و تجاوز به حقوق و امنیت افراد و انقلاب روا نیست.

ایسنا: در حوزه مسائل سیاسی و آزادی بیان و مطبوعات چطور؟  
جواب: اگر مطبوعات خودشان کار را اصولی انجام دهند، می‌توانند آزادانه عمل کنند. برخی مطبوعات مراعات بعضی از اصول را جزء وظایف و حقوق خود نمی‌دانند. دروغ‌پراکنی و تهمت در مطبوعات، خیلی آسیب می‌رساند. اگر این موارد در برخی از آنها وجود نداشته باشد، نیمی از مشکلاتشان حل خواهد شد.  
یک نمونه، همین مساله‌ای است که درباره نماز جمعه اخیر من در مطبوعات مطرح شد. در نماز جمعه اخیر، مطالب مهمی مطرح کردم و آن این بود که آمریکا فکر نکند این کشور از درون قابل از هم پاشیدن است. در مطالبی که مطرح کردم خواستم بگویم که وضع امروزمان از گذشته بهتر است. اوایل انقلاب، آمریکا با منافقین، بنی‌صدر، جبهه ملی، چپهای مارکسیستی و سلطنت‌طلب‌ها همراه بود ولی شکست خورد. در آن مقطع، اختلاف نیروهای انقلاب باعث شد که بنی‌صدر جلو بیاید ولی وقتی که متوجه نیرنگ‌های دشمن شدیم. خانواده انقلاب متحد شد و بیشتر دقت کردیم. ولی الان که نسبت به گذشته قوی‌تر هستیم وقتی جناحها مقابل خود دشمن مشترکی را می‌بینند باید مشاجرات را رها کنند و متحد شوند. ولی عده‌ای نتیجه‌گیری کردند که آقای هاشمی، آقای خاتمی را با بنی‌صدر مقایسه کرده است. این، مسؤلیت ناشناسی است. مطبوعه‌ای که این‌طور کار می‌کند نباید فکر کند که در جامعه اعتبار دارد. اگر این مطبوعه درست عمل نکند طبعاً اعتبار خود را از دست می‌دهد و برایش مشکل ایجاد می‌شود. باید سالم عمل کنند.

ایسنا: آیا مایلید در مورد جریان مک فارلین توضیح دهید؟ آیا شما در جریان این سفر قرار داشتید؟  
جواب: بله، همه سران سه قوه و حتی امام (ره) قبل از ورود هیات آمریکایی در جریان این مساله بودیم ولی شخص مک فارلین را نمی‌شناختیم. مباحث مذاکره هم روشن بود. بنا بود که ما برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان تلاش کنیم و آنها هم بعضی از نیازهای تسلیحاتی ما را تامین کنند. قدری هم پیش رفته بودیم ولی در گامهای آخر، تقلب آنها قضیه را خراب کرد. البته مسائل دیگری هم بود. اکنون مشغول تنظیم اسناد آن مسئله هستیم و منتشر خواهد شد.

ایسنا: در مورد رابطه و مذاکره با آمریکا به نظر می‌رسد گاهی اوقات تعبیری دو پهلو به کار می‌برید. حتی در مطلبی هم که از قول شما در نشریه راهبرد منتشر شد به نوعی این مسئله دیده می‌شود.

جواب: برخی مطبوعات، مصاحبه مرا تحریف کردند. این مصاحبه حدود 2 ماه قبل از آغاز جنگ اخیر انجام شد و فضای فعلی وجود نداشت. ثانیاً بحث بر سر این بود که آیا در شرایط کنونی راجع به موضوعی بن‌بست داریم یا خیر؟ من می‌خواستم بگویم که بن‌بست نداریم هر مشکلی که بین مجلس و شورای نگهبان یا هر جای دیگری به عنوان معضل پیش می‌آید دو راه حل دارد؛ یکی اینکه در مجلس با اجازه رهبری رفراندوم را تصویب کنند و دیگر اینکه رهبری آن را به

عنوان معضل به مجمع ارجاع دهند. اجرای هر دو این موارد هم به نظر رهبری برمی گردد. این بحث، خیلی مشخص است ولی برخی مطبوعات یکدفعه مطرح کردند که آقای هاشمی پیشنهاد رفراندوم داده است.

ایسنا: در این مورد مشخصا موضع شما چیست؟

جواب: رهبری به طور صریح نظرشان را اعلام می کنند ما نباید نظر دیگری را مطرح کنیم.

ایسنا: راهبردهایی که برای مواجهه با آمریکا با توجه به شرایط منطبقه پیشنهاد می کنید چیست؟  
جواب: اولاً نباید در مقابله با آمریکا تسلیم شویم، ثانیاً باید دیپلماسی ما فعال باشد. نه زور بگوییم و نه زیر بار زور برویم. اگر دیپلماسی فعال داشته باشیم می توانیم بسیاری از گره ها را باز کنیم.

ایسنا: پاسخ شما در مورد شایعاتی که درباره خانواده هاشمی مطرح می شود چیست؟  
جواب: خود شما دلیل را چه می دانید؟ به دلیل اینکه در همه دوران انقلاب مسؤولیت داشتیم، آمریکایی ها و ضد انقلاب سعی می کنند که تا می توانند روحانیت و انقلاب را بدنام کنند. آنها فکر می کنند که افرادی وجود دارند که می توانند گاهی مشکلات را حل کنند. آنها می خواهند این قدرت را از انقلاب بگیرند. همه آنها از روحانیت آسیب دیدند و اصلاً ما اینها را به این روز انداختیم. با این وجود چطور می توان



انتظار داشت که دل خوشی از ما داشته باشد. باید خودمان رشد داشته باشیم که داخلی ها این گونه عمل نکنند. وضع من و خانواده ام بسیار روشن است. از لحاظ مالی خانواده من زندگی در سطح متوسط جامعه را دارند و اکنون کمتر از زمان پیروزی انقلاب امکانات دارند و صورت ریز اموال خانواده من در دو مقطع به رئیس قوه قضاییه داده شده و آنها طبق اصل 142 قانون اساسی رسیدگی کرده اند و شخص رئیس قوه قضاییه در نماز جمعه اعلام کرد که دارایی خانواده آقای هاشمی از قبل از مسؤولیت شان کمتر شده و این برای انقلاب افتخار است. نمی دانم چرا بعضی از افراد وابسته به انقلاب می خواهند این افتخار را از انقلاب بگیرند.

ایسنا: در مواردی مانند آقای کرباسچی و یا آقای عبدالله نوری چه نقشی داشتید؟ آیا برای خود نقشی در کاهش چالش ها قایلید؟

جواب: تا جایی که بتوانم در حل مشکلات تلاش می کنم. البته این طور نیست که هر کاری بخواهم می توانم انجام دهم؛ ولی تا آنجا که بتوانم تأثیر می گذارم و بنا هم ندارم که بگویم چکار کردم. کم کردن چالش ها را وظیفه خود می دانم. اما بعضی ها این را نمی خواهند.

اگر به جریان انتخابات مجلس ششم برگردیم، بعد از فشارها چیزی که مرا قانع کرد در انتخابات شرکت کنم، این بود که شاید بتوانم در مجلس نقش آفرینی کنم و بتوانم با سایر گروه ها، ائتلافی درست کنم. ولی بعداً عده ای نشان دادند که طور دیگری حساب می کنند و چنین چیزی نمی خواهند. لذا نتیجه گرفتم که اگر وارد مجلس شوم ممکن است جریان سومی راه بیفتد و اختلافات بیشتر شود. لذا دستم برای جلوگیری از اختلافات آن قدر باز نیست ولی هر جا که بتوانم، بدون در نظر گرفتن اینکه اختلافات بر سر چیست و یا به نفع کدام طرف است، سعی می کنم جلوی اختلافات و مشاجرات را بگیرم.

ایسنا: آیا شما در خصوص لوایح اخیر دولت سعی کرده اید که مشکلات را کاهش دهید؟

جواب: من، هم به مجلسی ها و هم به شورای نگهبان گفته ام که سعی کنید این مساله را بین خودتان حل کنید تا احتیاجی به مجمع تشخیص نداشته باشید. بهتر است که مسائل مهمی مانند این لوایح، بین مجلس و شورای نگهبان حل شود. آقای خاتمی هم در نامه ای به رئیس مجلس اعلام کرده است که نمی خواهد خلاف شرع را بپذیرد. ترجیح من هم این است که آنها مشکلات را بین خودشان حل کنند و امیدوارم بتوانند چنین کاری را انجام دهند.

ایسنا: شما بعضا مورد انتقاد گروههایی از دانشگاهیان قرار گرفته‌اید. این مساله چقدر برای شما مهم بوده و چقدر سعی کرده اید که نظر دانشجویان و دانشگاهیان را در مواردی که به عملکرد شما انتقاداتی دارند رفع کنید؟  
جواب: هیچ کس خالی از نقاط قابل انتقاد نیست، من هم مثل همه. دانشگاهیان و آدمهای آگاه حق دارند انتقاد کنند. من اگر گله‌ای داشته باشم، از ناحق گفتن‌ها و تخریب‌ها و خصومت و دروغ و شایعه است. این مسائل را در شأن هیچ کس بویژه دانشگاه و دانشگاهیان نمی‌دانم. البته تعداد این افراد کم است. ولی هر جا که لازم شد طبعاً باید انتقادات را پاسخ دهم تا منتقدین قانع شوند.

ایسنا: حضرت امام(ره) در نامه‌هایی که به شورای نگهبان نوشتند، توصیه می‌کردند که این شورا در تصمیماتش مصالح نظام را در نظر بگیرد. اما در حال حاضر شورای نگهبان این شان را برای خودش قائل نیست. به نظر شما آیا الان شورای نگهبان می‌تواند مصلحت را در نظراتش اعمال کند؟  
جواب: این یک خطری دارد. اگر مجمع تشخیص مصلحت نظام نبود می‌شد از آنان توقع چنین کاری را داشت. اگر این حق را به شورای نگهبان بدهیم، به این معناست که از لحاظ کارشناسی هم بتواند لویح و طرحها را رد کند. مصلحت، یک طرفه نیست بلکه دوطرفه است. صحیح نیست که شورای نگهبان با دید مصلحت‌گرایانه با لویح برخورد کند. اگر مجمع نبود در مواردی این توقعات درست بود. شورای نگهبان بر محور شرع مقدس و مفاد قانون اساسی نظر می‌دهد و ممکن است گاهی مصلحت، خلاف آن را اقتضا کند. اما نفس مراعات شرع و قانون اساسی، خود حاوی مصلحت مهم است.

ایسنا: در حوزه قوه قضاییه چطور؟ فکر نمی‌کنید که در بعضی از احکام باید مصالح نظام در نظر گرفته شود؟  
جواب: در اینکه همه باید مصالح نظام را در نظر بگیریم شکی نیست ولی قوه قضاییه نمی‌تواند قانون را اجرا نکند. هیچ مصلحتی بالاتر از اجرای قانون نیست. اگر مشکل قانونی وجود دارد باید مشکل قانونی را حل کنند. نمی‌توان به قاضی اجازه داد که به عنوان مصلحت نظام از قانون تخلف کند. این خطرناک و به معنای بی‌قانونی است. البته دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر برای مراعات استحکام آرا در نظر گرفته شده‌اند ولی هیچ‌گاه نمی‌توان به قوه قضاییه اجازه داد که قانون را نادیده بگیرد.

ایسنا: با توجه به اینکه انتخابات مجلس را پیش رو داریم پیش‌بینی شما از آینده فضای سیاسی کشور چیست؟  
جواب: من در این مورد نگرانی دارم. مسؤولان باید مسائل را حل کنند تا مردم به شرکت در انتخابات تشویق شوند و شرایط به گونه‌ای باشد که نمایندگان با آرای بیشتری پشتیبانی شوند و کار کنند. البته میزان حضور مردم مقداری هم به نوع عمل نمایندگان و مسؤولان برمی‌گردد. عملکرد خوب، مردم را به حضور در انتخابات تشویق می‌کند و یک مقدار هم باید خودمان مواظب باشیم. به هر حال، حضور مردم در صحنه خیلی مهم است.